

بانفصال آنها از یکدیگر گردید ولی پس از چند روزی باین شکل با یکدیگر کنار آمدند که فقط نیم شان روبرت پیل اضافه کند. تیس (۱) دختر کوچک هفت ساله ای داشت که طرف علقه پیل شده و لذا پس از ده سال صبر و انتظار آنها ازدواج کرد که بهترین مساعد پیل بود؛ زیرا پیل سواد نداشت و او محاسبات و مکاتبات شوهر را بعهده گرفت. این دختر مادر سرروبرت پیل سوم که رئیس الوزرا انگلستان شد میباشد و در سال ۱۸۰۳ در لندن فوت شد بعد از اینکه شوهر خود را بدرجه بارونی رسانید

تیس و پیل و سایر شرکاء مدتها بکار خود ادامه داده و در تقدم و پیشرفت دائم بودند ولی پیل در سعی و عمل و از حیث بصیرت و مهارت در خرید و فروش و در شدت مواظبت و موشکافی در عمل بر رأس شرکاء قرار گرفته بود و این نکته را نباید فراموش کرد که سعی و کوشش این شرکت تنها مصروف اصلاح و تحسین مصنوعات خود و آنها در درجه اول مصنوعات قرار دادن نبود، بلکه شئون حیاتی کارگران خود را نیز اصلاح نموده و باین وسیله شهرت شرافتمندانه نصیب آنها گردید. یکی از مزایای سرروبرت پیل این بود که کاملاً متوجه اختراع جدیدی بود که بدرد تحسین و تکمیل مصنوعات خود او بخورد. وقتیکه شخصی ماده‌ای را برای آهار و سفید نگاه داشتن پارچه اختراع کرد پیل اختراع او را بمبلغ کزافی خرید و کارخانه خود را در اس تمام کارخانه‌های طبع منسوجات قرار داد

از جمله مؤسسين صنايع (وليم لی) کشیش مخترع ماشین جوراب جوراب است که در یکی از قراء نوتنهام از خانواده بافی خیلی فقیری متولد و بمدرسه کمبریج بعنوان تحصیل

(۱) Jates یکی از جریده نگاران و رومن نویسا (۱۸۳۱ - ۱۸۴۴)

و نوکری داخل شد (۱۵۷۹) و بعد منتقل گردید بمدرسه سنت ژان و در آنجا دیپلم با کالوره آرا در علوم گرفت و در سال ۱۵۸۶ بر تبه معلمی در علوم نائل گردید وقتی ماشین جوراب را اختراع کرد کشیش قریه (کلورتون) بود و میگویند عاشق دختری شد که بواسطه اشتغال بجوراب بافی چندان متحمل او نمیشد؛ ولیم لی نیز تصمیم گرفت ماشینی اختراع کند که بکلی جوراب بافی زنهارا لغو کند. سه سال در اختراع این ماشین زحمت کشید، تمام اسباب آنرا با دست ساخت، حتی بعضی از آنها را مجبور بود از چوب درست کند زیرا در آن تاریخ هنوز صنایع در منتها درجه انحطاط بود. بعد از موفق شدن باختراع آن کلیسیا را رها کرده در همان قریه آرا بکار انداخته عده از اقربا و دوستان خود را نیز آموخت. و برای اینکه مراحم و حمایت ملکه الیزابت که عشق مفروطی بیافتن جورابهای ابریشمی داشت تحصیل نماید بلند آمد و به بعضی از درباریان ماشین را نشان داد از جمله لورد (هنسدن) بود که به نمایش آن اکتفا نکرده و طرز عمل را نیز آموخته و در حضور ملکه آنرا نمایش داد ولی چندان جلب توجه ملکه را نکرد؛ بلکه میگویند ملکه اعتراض کرد که این ماشین يك عده زیادی از زنهارا بیکار و از نان خوردن خواهد انداخت ولیم لی از این پیشامد مرعوب شده تصمیم گرفت مملکت خود را ترك گوید. در این وقت (سلی) (۱) وزیر هانری چهارم از او تقاضا کرد که به (روان) (۲) آمده مشغول کار شود و باهالی نیز تعلیم دهد؛ برای اینکه شهر مزبور در آن تاریخ بیش از سایر شهرهای فرانسه مراکز صنایع و کارخانه بود ولیم لی دعوت وزیر فرانسه را قبول و در سال ۱۶۰۰ با برادرش یعقوب

(۱) Sully (۱۵۶۰ - ۱۶۴۱)

(۲) Roen یکی از مشهورترین شهرهای صنعتی و بافصله ۸۷ میل در شمال شرقی پاریس واقع شده است

و هفت نفر از کارگران خود بفرانسه رفت. در (روان) خیلی از وی حسن استقبال شد و شروع کرد بعمل و خوشبختی بدو روی آورد ولی بدبختانه پس از مدتی هانری چهارم که حامی و پناهگاه او بود کشته شد. مشارالیه برای حفظ حقوق خود بیاریس آمد که در محاکم آنجا حق امتیاز خود را ثابت کند؛ ولی چون پرتستان بود کسی بدو اعتنائی ننمود؛ لذا در نهایت فقر و بدبختی در بیاریس مرد و برادرش با هفت نفر کارگر خود فوراً بانگلستان مراجعت نموده و با شخصی استون نام شرکت نموده و شروع کردند بکار در (ثوروتن) و پیشرفت زیادی نمودند و پس از اندک مدتی بدرجه ای ماشین مزبور رائج و متداول گردید که یکی از فروع مهم صنایع انگلستان بشمار رفت یکی از متفرعات ماشین جوراب ماشین حاشیه های توری است ماشین حاشیه های که بدوا (فرست) و (هلمس) اتر اختراع کردند طوری یعنی ماشین جوراب را با اختلافاتی مبدل به ماشین توری کردند و بزودی نیز شایع گردید؛ یعنی در کمتر از سی سال بیش از ۱۵۰۰ ماشین بکار افتاد و قریب ۱۸۰۰۰ عمه باینکار مشغول شدند ولی بعد از جنگهای زیاد که در آن تاریخ اتفاق افتاد این صنعت عاطل شده و پس از مدتی بکلی مد تغییر کرده و مصنوعات مزبور از رواج و رونق افتاد ولی پس از چندی (جون هتکوت heat hoat) ماشین جدیدی برای اینکار اختراع کرد که اقسام مختلفه و مرغوب آنرا درست میکرد و تا با امروز هم رائج و معمول است جون هشکون در سال ۱۷۸۳ در یکی از نواحی (دریشیر) متولد شد پدر و مادرش نکذاشتند زیاد در مدرسه بماند او را نزد نول سازی فرستادند که صنعت مزبور را بیاموزد. مدت زیادی نکذشت که صنعت مزبور را

فرا گرفته و در استعمال آلات و ادوات صنعتی مخصوصا ماشین جوراب بافی مهارتی بسزا پیدا کرد و از همان وقت در فکر اصلاح ماشین جوراب افتاده هر وقت فرصتی پیدا میکرد بدان دست میزد و تمام فکرش متوجه اختراع ماشینی بود که بتواند حاشیه هائی مثل آنهائی که در فراسه با دست می بافند بیرون بدهد و ساختن يك همچو ماشینی بواسطه احتیاج باعمال مختلفه و بواسطه اشکال زیادی که در ترکیب اجزاء مختلفه زیادی داشت و مثل ماشین جوراب بافی خیلی ساده نبود محتاج هوش زیاد و صبر و مواظبت و استقامت بسیار بود و هتکوت تمام این مراتب را داشت ، آدمی بود دقیق ، کم حرف ، لجوج ، وفداکار و پراز امید، لذا موفق باختراع ماشین شده امتیاز انحصار آنرا در سن ۲۴ سالگی دریافت

زنش نیز کمتر از او در انتمام این ماشین جدو جهد نداشت بعد از چند سال زحمت شبی زنش از او پرسید « کار میکند ؟ » جواب داد « خیر باید آنرا باز کنم و از نو سوار نمایم » در این جا زن بیچاره بی اختیار شروع کرده به کوبه کردن ولی پس از چند روز هتکوت با قیافه پر از امید نزد وی آمده و يك قطعه حاشیه که بتوسط همان ماشین ساخته شده بود آورده و بهمسر خود نشان داد

هتکوت هم مثل اغلب مخترعین در بدو امر باختراع او اعتراف نمی کردند نمی خواستند اجازه انحصار باو بدهند ولی مشارالیه محاکمه کرد و وکیلش برای اثبات حق او مجبور شد به (نوتینهام) رفته مدتی در کارخانه مانده کیفیت ترکیب و سوار کردن و کار کردن آنرا یاد گرفت و ماشین را نیز در محکمه حاضر نمود و مقابل قضات شروع نمود بعمل و تحقیق در مخترعات موکل خود . قضات از دقت ماشین و زحمات دماغی مخترع آن حیرت کرده حکم برای او صادر کردند

بعد از صدور اجازه انحصار هتکوت دیدبیش از ششصد ماشین از روی ماشین وی ساخته شده و مشغول کار است. لذا دولت اجازه داد که از ماشین های مزبور مالیات بگیرد و از این راه دخل سر شاری نمود. این ماشین بسرعت عجیبی متداول گردید و قیمت حاشیه های توری در مدت ۲۵ سال از پنج لیره در هر ذرع مربعی به يك ريال تنزل کرد و حد متوسط مداخل سالیانه این رشته مصنوعات به چهار میلیون لیره بالغ گردید و قریب ۱۵۰۰۰۰۰ کارگر باین کار مشغول بودند باوجود اینکه پیدایش این اختراع این همه کارگر را بکار انداخته بود کارگرها بخیال اینکه این ماشینها نان آنها را قطع کرده است متحد شدند که تمام ماشینها را خراب کنند سال ۱۸۷۰ مابین معلمین کارخانه های جوراب بافی و حاشیه بافی قسمت جنوب غربی و کارگران نزاعی روی داد. کارگران تجمع نموده و کلیه ماشینها را عاقل نمودند ولی دولت مداخله کرده رؤسای آنها را بحبس انداخت. ایندفعه دیگر علناً باینکار مبادرت نکرده و مخفیانه دائماً در تخریب ماشینها فروگذار نمیکردند و چون ماشینهای مزبور خیلی نازک و دقیق است با اندک صدمه ممکن است آنها از کار انداخت علاوه بر اینکه محل این ماشینها دور از آبادی و سهولت قابل هجوم بود. مخربین در حوالی نوتنهام که مرکز این عمل بود، شبانه تجمع نمودند و در تحت ریاست شخصی موسوم به (ندلد) دست بدسیسه و تخریب و افساد زدند و باکمال جسارت طول زمستان ۱۸۱۱ را مشغول عمل بودند و باعث خرابی زیادی گردیدند. صاحبان کارخانه مجبور شدند ماشینها را بآبادی و بمواقع مستحکم و غیر قابل هجوم انتقال بدهند. از تاریخ آن وقایع استنباط میشود که این دسته مخرب از آسانی مجازات و عقاب جری شده و در تمام ولایات شمالی و مرکزی اصول آنها منتشر گردیده باعث خرابی و خسارات زیادی گردیدند. اتحاد و تباہی

آنها بکلی سری و تصمیم گرفته بودند اطاعت مطلق از رؤساء خود داشته باشند و هرکس مقاصد جمعیت را بروز دهد محکوم باعدام شود. و حکم از مرکز جمعیت بخراب کردن تمام ماشینهای ماهوت و چیت و جوراب و حاشیه و غیره و کشتن صاحبان کارخانه صادر گردید و همینطور مشغول عمل بودند که دولت بتوقیف عده زیادی از آنها مبادرت و بعضی از آنها را نیز اعدام کرد تا پس از چندسال شعله این هیجان خاموش گردید

از جمله کسانی که در این اعتصاب خسارت کشیدند هتکوت بود که شبی با مشعل بکارخانه او ریخته و تمام ماشینها و مصنوعات او را که ده هزار لیره تخمین میشد آتش زدند. ده نفر آنها را دولت گرفت و هشت نفر آنها با اعدام سوق داده شد هتکوت دعوی ده هزار لیره نموده حکم بر له او صادر گردید و وجه مزبور را برداشته رفت به تیورنون و آنجا عمارت بزرگی خریده و قریب سیصد ماشین مختلف در آنجا کار گذاشت و کوره آهن ریزی نیز دائر نمود که ادوات زراعتی در آن میریختند و مدتها سعی خود را مصروف این کار کرد که آلت شخم را با بخار راه بیندازد و در سال ۱۸۳۲ بدرست کردن این خیش بخاری موفق گردیده امتیاز انحصار آنرا نیز از دولت دریافت نمود تا قبل از پیدا شدن خیش (فولر) بهترین خیشها بود

خلاصه: مشارالیه شخص بزرگی بود فکر ثاقب، نظر مال اندیش و هوش سرشار را با حب عمل و زحمت توأم داشت بامانت و صداقت و انصاف و استقامت موصوف و چون با کوشش و زحمات خود ترقی کرده بود از اشخاص سعی خوش آمد و هر جوانی را در میان کارگران خود زحمت کش و سعی میدید او را تشویق و تقویت مینمود. با وجود کارهای زیادی که داشت شروع کرد بخواندن زبان فرانسه و ایتالی و بخوبی هر دو را آموخته بمطالعه تالیفات مهمه مشغول شد. در کارخانه او بیش از

دو هزار عمله بودند که همه او را دوست میداشتند و مانند پدری باو احترام میکردند؛ زیرا توجه مخصوصی بصحت و راحتی کارگران خود داشت و پیشرفت در کار شفقت و عطوفت را مثل سایرین از قلبش نبرده بلکه اهتمامش بفقراء و زیردستان زیاد گردیده بود. برای اولاد کارگران خود مدرسه تأسیس نمود که یثلاً شش هزار لیره صرف آن نمود. خیلی بشاش و خوش محضرو خوش سلوک بود و سال ۱۸۳۱ (از تی ورتون) منتخب گردید و سی سال در پارلمان بوکالت مشغول بود. بعد از اینکه بواسطه پیری از وکالت کناره گرفت هزار و سیصد نفر از کارگران دوات نقره و قلم طلائی باو تقدیم کردند و بسال ۱۸۶۱ در سن ۷۷ سالگی فوت شد در صورتیکه اسم با افتخاری برای اعقاب خود بارث گذاشت

ژاکارد (۱) در اینجا بی مناسبت نیست از مخترع بزرگ دیگری که در شهرت کمتر از هتکوت نیست اگر چه بخوشبختی او نائل شد صحبت کنیم و آن ژاکارد است که در شهر لیون از خانواده خیلی فقیری متولد شد وقتی بسن رشد رسید پدرش او را نزد صحافی گذاشت ولی ذاتاً مایل بصنعت بود. لذا بعضی به پدرش توصیه کردند مطابق سلیقه و قریحه او رفتار کند پدرش نیز او را نزد چاقوسازی شاگرد نمود که بواسطه بد خلقی بزودی از نزد وی بیرون آمده نزد حروف سازی شاگرد شد. پس از مرگ پدر مجبور شد بحرفه پدرش یعنی جولائی مشغول شود و در این ضمن بخاطرش رسید که ترکیب کارگاه پارچه بافی را اصلاح و بهتر کند و در این فکر بکار افتاد بدرجه که خود را نیز فراموش کرد و وقتی ملتفت خود شد که فقر و پریشانی او را احاطه کرده بود لذا کارگاههای خود را فروخت قروض خود را ادا نمود. مقارن همین اوقات متأهل شده بود و مجبور گردید برای گذران یومیه خانه خود

را فروشد. بعد مدتی پی پیدا کردن کاری دوید و کاری گیرش نیامد، برای اینکه همه خیال می کردند این يك آدم تنبل و خیالی و غیر عملی است تابا لاخره نزد طناب بافی برای خود کار پیدا کرد و زنش در لیون مانده با ساختن کلاه های حصیری امرار معاش می کرد. دیگر خبری از او نیست تا بعد از چند سال که چرخ درست کرد برای بافتن پارچه های مطرز و منقش و چرخ مزبور بدرجه رایج کردید که پس از ده سال قریب چهار هزار کارگاه از آن در لیون ایجاد شد. انقلاب کبیر فرانسه در این اثناء ظاهر شد ژاکارد او طلب خدمت قشون کردید، دست از کار خود کشید و بدرجه و کیلی نیز رسید و اگر یسرش در یکی از جنگها برابر چشمش کشته نمیشد نظام را ترك نمیگفت. بعد از بیرون آمدن از قشون نزد همسر خود برکشت و روزها نزد یکی از صنعتگران اجرت گرفته و کار میکرد و شبها بخانه بر می گشت در راه تکمیل و اصلاح خود می کوشید. روزی بمستأجر خود برسبیل حکایت از اینکه بواسطه فقر نمیتواند اختراع خود را تکمیل نماید شکایت می کرد، مستاجر مزبور برای اتمام اختراع او وجوه کافی بوی داد و بعد از سه ماه کارگاه کامل و بدیع خود را بعالم وجود آورد که در نمایشگاه ۱۸۰۱ در پاریس آنرا نمایش داده و دولت باو نشان بخشید کاو (۲) وزیر مخصوصاً بلیون آمده اورا ملاقات و باین اختراع مفید نافع تهنیت گفت

سال بعد جهت صنایع جایزه ای قرار داد برای کسیکه ماشینی برای درست کردن تور اختراع کند روکار د بعد از سه هفته ماشین مزبور را تمام کرد. این خبر بگوش ناپلیون رسید اورا بیارس احضار و از او چنانکه شایسته يك مخترع بزرگی است پذیرائی نمود و دو ساعت باو در موضوع مخترعانش صحبت کرد و اورا بموسسه فنون فرستاد